



اردوان امیراصلانی

در ماه گذشته مجلس شورای اسلامی عربستان سعودی را تصویب لایحه بیوستن به سازمان همکاری شانگهای به عنوان شریک بحث و گفت‌وگو، نقطه عطف مهمی در نزدیکی روابط عربستان با چین را بنا نهاد. این تصمیم سه ماه پس از سفر شی جین‌پینگ به ریاض و اعلام شرکت نفت عربستان سعودی «آرامکو» مبنی بر احداث یک پالایشگاه مدرن ۱۰ میلیارد دلاری در چین و خرید ۱۰ درصد سهام یک مجتمع پتروشیمی بزرگ چینی اتخاذ می‌شود. با توجه به تمایل پادشاهی وهابی برای رهایی از وابستگی انحصاری به ایالات متحده و نزدیکی به قدرت‌های آسیایی از قبیل روسیه و چین، اعلام این خبر تعجب‌آور نیست. درواقع، این موضوع تأییدکننده روند اساسی است‌که در حال حاضر در راستای تحکیم یک بلوک مستقل، رقابت مستقیم با غرب و اتحاد در حوزه‌های امنیتی و اقتصادی در آسیا در حال وقوع است. عادی‌سازی روابط ایران و عربستان با میانجیگری چین نمونه بارز شکل‌گیری این روند است. همان‌طور که نظم ژئوپلیتیک جهانی بیش از پیش به سمت تعادل چندقطبی پیش می‌رود، عربستان سعودی نیز به نوبه خود نگاه خود را به سمت شرق معطوف کرده و به وضوح به نظر می‌رسد که روی بلوک آسیایی حساب باز کرده است. علاوه بر

این رویکرد عربستان عمل‌گرایانه است. کشورهای آسیایی به رهبری چین، بازارهای اولیه نفت را تشکیل می‌دهند. بنابراین، ملحق‌شدن به سازمان همکاری شانگهای برای ریاض به منزله یک استراتژی ژئوپلیتیکی شامل تنوع‌بخشیدن به شرکا در رویکردی چندجانبه است. غربی با آسیایی بودن شرکا تا زمانی که باعث تقویت جایگاه بین‌المللی عربستان بشوند یک موضوع ثانویه باقی می‌ماند. عضویت بزرگ‌ترین اقتصاد خاورمیانه در سازمان همکاری شانگهای نشانه انکارناپذیر موفقیت دیپلماسی چین است. سازمان همکاری شانگهای که در سال ۲۰۰۱ تحت حمایت دوگانه مسکو و پکن متولد شد، یک نهاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی اوراسیا است‌که در ابتدا شامل چهار کشور آسیای مرکزی یعنی قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و روسیه بود. ازبکستان، هند و پاکستان نیز به سرعت به آن ملحق شدند. در سال‌های اخیر، این سازمان توجه دیگر قدرت‌های بزرگ جهان اسلام را به خود جلب کرده است. ایران پذیرش خود را پس از سال‌ها مذاکره به یک پیروزی دیپلماتیک واقعی تبدیل کرد و آن را راه‌حلی مفید برای دروزدن تحریم‌های آمریکا می‌داند. مصر، قطر و ترکیه که از متحدان ایالات متحده به حساب می‌آیند نیز به عنوان «شریک گفت‌وگو» به این مهم دست

آسیا در خدمت چین در مواجهه با بلوک غرب

یافته‌اند. سازمان همکاری شانگهای بدون داشتن گستره ائتلاف امنیتی قادر به رقابت با ناتو یا اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا، به مسائلی از قبیل تسریع یکپارچگی اقتصادی در آسیا و توسعه مشارکت‌های اقتصادی می‌پردازد. سازمان همکاری شانگهای با معرفی خود به عنوان بستری برای گفت‌وگو و ادغام بدون درخواست الزام‌آور از اعضای خود، به عنوان یک «عملیات اغواگرانه» طولانی‌مدت برای چین عمل می‌کند. بدین ترتیب چین به آرامی موفق می‌شود تمام متحدان اصلی واشنگتن در خاورمیانه، آسیای مرکزی و آسیای جنوبی را یک به یک به سمت خود جذب کند. کشورهای حوزه خلیج فارس نیز به نوبه خود تنوع‌بخشیدن به روابط را ترجیح می‌دهند. ریاض نیز همانند بسیاری از همسایگان خود در خلیج فارس تحت تأثیر عدم مشارکت آمریکا در منطقه مایل است به یک بازیگر مستقل در صحنه بین‌المللی تبدیل شود، حتی اگر تمایل برای خودمختاری عربستان را به سوی همکاری با مسکو و پکن در مقابل منافع غرب سوق دهد. چین مصمم است تا ثبات خاورمیانه را برای منافع اقتصادی خود تضمین کند. از این رو، جذب ایران و عربستان سعودی در حوزه نفوذ خود، را یک پیروزی چندجانبه می‌داند. عضویت دوجانبه ایران و عربستان در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند

غلامرضا نوری قزلبه، رئیس فراکسیون مستقلین ولایی مجلس یازدهم، در گفت‌وگو با «شرق»

با اصلاح قانون انتخابات، «صیانت» دیگری در راه است

معصومه معظمی: برخی مجلس یازدهم را مجلسی برگرفته از رای حداقلی و ناشی از سطح مشارکت پایین مردم در انتخابات می‌دانند؛ پس معتقدند این مجلس، مجلس قدرتمندی نیست که توانسته به معنای واقعی کلمه نماینده همه اقشار مردم باشد و بیش از توجه به مطالبات جامعه، به دنبال تأمین نظر گروهی دیگر است. به همین دلیل اکثر وقت مجلس را به حواشی و تسویه‌حساب‌های سیاسی اختصاص داده‌اند. حالا هم که کمتر از یک سال تا پایان کار مجلس زمان باقی است، غلامرضا نوری قزلبه، رئیس فراکسیون مستقلین ولایی مجلس یازدهم که نماینده دو دوره مردم بستان آباد در مجلس نهم و یازدهم است، با حضور در تحریریه روزنامه «شرق» گفت برخی با اصلاح جدید قانون انتخابات مجلس، درصدد ایجاد محدودیت‌های بیبشرتی برای کاندیداها و غیررقابتی‌تر کردن فضای انتخابات هستند. او که پیش از این سابقه معاونت اجرایی رئیس مجلس را هم در کارنامه خود داشته، اصلاح قانون انتخابات مجلس را نوع جدید «صیانت» مجلس از رای مردم دانست و گفت که این نیز یک محدودیت جدید برای مشارکت مردم در انتخابات و نامزدهاست و اصلاحیه انتخابات جدید با اصول دموکراسی در تضاد است. به اعتقاد نوری قزلبه، هیچ تفاوتی بین اکثریت حاکم بر مجلس یازدهم وجود ندارد و چون این جریان سیاسی در مجلس یکدست و بی‌رقیب است، در بین خودشان با هم رقابت می‌کنند، اما در واقع هیچ تفاوتی بین آنها نیست. این نماینده اصلاح‌طلب و رئیس فراکسیون مستقلین ولایی مجلس یازدهم اضافه کرد که در پشت‌پرده، بزرگان این طیف بدون هیچ اختلاف‌نظری با هفمگری باز به دنبال جیش افراد و تکرار مجلس یازدهم با خلوص بیشتر برای انتخابات مجلس دوازدهم هستند و خبر رقابت آقاتهرانی، نادران و قالیباف برای کرسی ریاست مجلس در اجلاسیه چهارم را جنگ زرگری برای القای رقابت در مجلس نزد افکار عمومی دانست و خواست که رسانه‌ها فریب این ظاهر را نخورند.

در این گفت‌وگو، نوری قزلبه به بررسی سبب‌ها و دلایل این وضعیت، دلایل عدم مشارکت مردم در انتخابات و راه‌های بهبود آن پرداخته است.

به‌طور تصادفی در حوزه‌ها تقسیم‌بندی می‌کنند. این در حالی است که مثلا یک فرد در حوزه‌ای آشنایی و شناخت دارد و می‌تواند نماینده نامزد در آن حوزه باشد تا روند برگزاری انتخابات را رصد کند. اما اگر او را به حوزه‌ای بفرستند که هیچ آشنایی و شناختی از آن حوزه ندارد، چطور می‌تواند اشراف داشته باشد و گزارش درستی به نامزد مردم بدهد؟

- این رفتار به خودی خود شائبه‌برانگیز است.**

بله همین‌طور است. این رفتار ایجاد تردید و سؤال می‌کند. درباره دستورالعمل‌هایی که وزارت کشور برای انتخابات صادر می‌کند هم گفته شده که هیئت مرکزی نظارت آنها را تفسیر کند. در حالی که این در حیطه نظارتی مجلس است و طبق اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی جزء اختیارات مجلس، رئیس مجلس و هیئت نظارتین مصوبات است. درباره شرایط نامزدها هم در اصلاحیه جدید قانون انتخابات شرایطی تعیین شده است که دستور کیفرخواست در برخی جرائم برای رد صلاحیت فرد کفایت می‌کند. یعنی اگر فرد از آن اتهام برترنه شد هم در نتیجه کار تأثیری ندارد. لذا با این اوصاف اگر علیه شما در جرائم سیاسی و امنیتی کیفرخواستی صادر نشود، همان برای رد صلاحیت فرد کفایت می‌کند. بنابراین معتقدم این مواد اصلاحی قانون انتخابات موارد خطرناکی است که حضور افراد در انتخابات را محدود می‌کند و انتخابات رقابتی و مشارکتی را که اکنون مسئله کشور است به محاق می‌برد و از آن فاصله می‌گیرد. یعنی مسیر به سمتی می‌رود که علاقه‌مندان کمتری برای کاندیداتوری اعلام تمایل کنند و به دنبال آن هم سطح مشارکت و حضور مردم پای صندوق‌های رای کاهش یابد.

نکنه مهم و خطرناک دیگر این است که تاکنون شورای نگهبان با توجه به فیلترهای تعیین‌شده افرادی را برای کاندیداتوری تأیید صلاحیت می‌کرد و مردم از بیسن آن گزینه‌ها به زعم خود به اصلاح‌ترین‌ها رای می‌دادند. اما اینکه شرایط را به نحوی رقم بزنند که بعد از تأیید صلاحیت و موفقیت در انتخابات و نماینده‌شدن، بتوانند تا بررسی اعتبارنامه این فرد را رد صلاحیت کنند و انتخاباتش را ابطال کرده یا جایگزینی برایش تعیین کنند، قطعا انگیزه‌ای برای کاندیداها و مردم نمی‌ماند تا در انتخابات شرکت کنند. این شرایط به و سختی است که با هیچ‌یک از اصول دموکراتیک سازگار نیست.

- چه تفکری پشت این قضیه است که سعی دارد انتخابات را محدودتر کند؟ در حالی که این اقدام مغایر با مشارکت حداکثری و ایجاد زمینه رقابت بیشتر است.**

تفکری که عدم مشارکت بالا و رقابتی در انتخابات را دنبال می‌کند همان تفکر خالص‌سازی و تنگ‌کردن حلقه حاکمیت است. این تفکر دنبال مشارکت بالای مردم نیست و لذت مشارکت پایین را در دو انتخابات گذشته چشیده است. یعنی متوجه شده در مشارکت حداقلی مردم یک انتخابات کم‌ریسک و کم‌هزینه را دارند و می‌توانند در این صورت برنده باشند. غیر از این نمی‌توان برداشت و تفسیر دیگری در این اصلاح جدید قانون انتخابات داشت. آنها به دنبال رقابت و مشارکت حداقلی هستند تا باز هم بتوانند وارد مجلس شوند. همان‌طور که می‌دانید مجلس یازدهم حاصل مشارکت حداقلی در انتخابات است؛ انتخاباتی که از پیروزی انقلاب تاکنون پایین‌ترین درصد مشارکت را داشته است. دولت سیزدهم هم حاصل مشارکتی حداقلی است و از اول انقلاب پایین‌ترین سطح مشارکت را به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد این رویه و شرایط خیلی به مذاقشان خوش آمده و سعی دارند این روند را ادامه دهند. لذا به دنبال خالص‌سازی و ادامه روند ایجادشده در انتخابات پیش‌رو هستند و این شرایط برایشان جذاب‌تر است.

- در صحبت‌های خود به مجلس حداقلی اشاره کردید. همان‌طور که خود شما هم می‌دانید، بخشی از این مجلس از همان ابتدا به دنبال تسویه‌حساب‌های سیاسی و رفتارهای پرسروصدا بود و بخش دیگری هم به دنبال مباحث حاشیه‌ای و بخشی هم پیگیر مطالبات مردم بودند. به اعتقاد شما چه اتفاقی افتاده که مجلسی که باید عصاره فضاثل ملت باشد، به این وضع منتهی شده است؟**

وقتی در تأیید صلاحیت‌ها و ورود افراد به عرصه رقابت محدودیت ایجاد می‌شود، یک جریان خاص می‌تواند بالا بیاید؛ بنابراین انتظار از مجلسی را که باید محل تجلی اراده مردم یا محل گفت‌وگوی جریانات مختلف سیاسی کشور باشد، از دست می‌دهد و در اختیار یک جریان سیاسی خاص قرار می‌گیرد. متأسفانه این مجلس با دولت اصولگرای همسو هم‌زمان شد و این امر بیشترین ضرر را به مردم تحمیل کرد. وقتی مجلس و دولتی همسو روی کار بیایند که هوای یکدیگر را داشته باشند، این وسط جامعه متضرر می‌شود. ملاحظه می‌کنید که این روزها با کمبود شدید دارو و افزایش بی‌سابقه قیمت آن مواجه شده‌ایم، اما مجلس اراده‌ای برای پاسخ‌گوییکردن وزیر بهداشت و درمان ندارد. اینجاست که هزینه این همسویی سیاسی مجلس و دولت بر گردن ملت می‌افتد. منشأ این اتفاقات هم در محدودیتی که برای برخی نامزدها در زمان انتخابات ایجاد کرده بودند، ریشه دارد. در حالی که اگر فضای رقابت برای این سلسله‌های سیاسی مختلف که در ذیل قانون اساسی جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند، مهیا می‌شد، حتما مجلسی‌سوا کپی که می‌تواند در حل

♦ این روزها ماجرای شاسی‌بلندها و ارتباطش با مجلس سروصدای زیادی به پا کرد؛ اما شما طرح این موضوع در شرایط فعلی و هم‌زمانی آن با بررسی اصلاح قانون انتخابات مجلس را امری برای به حاشیه بردن این موضوع مهم می‌دانید. دلیل این استدلال شما چیست؟

هرکسی در مجلس یا دولت اگر در مورد خودروهای شاسی‌بلند تخلفی کرده باشد، باید پاسخ‌گو باشد و نتیجه رسیدگی هم به عموم جامعه اعلام شود. اما از آنجایی که موضوع مهمی مثل اصلاح قانون انتخابات در دستور رسیدگی صحن است، هم‌زمانی این موضوع با بررسی قانون مهم انتخابات این شائبه را ایجاد می‌کند که دراین‌باره تعمدی در کار است. ورود صداوسیما به موضوع شاسی‌بلندها و پرتنگ‌کردن آن احتمال عمدی‌بودن این کار را تقویت می‌کند تا موضوع مهم اصلاح قانون انتخابات در حاشیه قرار گیرد. این اتفاق چون در صداوسیما سابقه دارد پس نمی‌توان آن را زیاد دور از ذهن دانست. ششمین بار است که موضوع مهم اصلاح قانون انتخابات مجلس در سه یا چهار ماه گذشته به صحن می‌آید. اول کلیات آن رد شد اما دوباره با امضای بیش از ۵۰ نفر آن را در دستور کار قرار دادند و مجدد رای گرفتند. البته صداوسیما نسبت به هیچ‌یک از مواردی که باعث می‌شد طرح رد شود یا به کمیسیون برگردد یا موادی از آن حذف شود، واکنشی نشان نمی‌داد؛ اما برای تصویب کلیات آن یک برنامه ۱۵، ۲۰ دقیقه‌ای ساخت و تأکید داشت که با این شیوه، بخشی از جمعیت همسوی و دموکراسی‌گراش را دست می‌رود. به همین دلیل نسبت به آن حساس هستم و معتقدم نباید فقط به موضوع خودروها در این مقطع پرداخته شود تا حواس افکار عمومی از مقوله مهم اصلاح قانون انتخابات با این سبک و سباق منحرف شود.

♦ چه موادی از اصلاح قانون انتخابات حساسیت‌برانگیز است و احساس می‌کنید باید جامعه در جریان آن قرار بگیرد و نسبت به آن شفاف‌سازی شود؟
اول باید مسئله را در درستی بشناسیم. بعد نسبت به آن قانون وضع کنیم یا قانونی را اصلاح کنیم. باید بگوییم مسئله این است و به دلیل این ضعف‌ها برای آن باید قانون جدیدی وضع کنیم یا قانون را لغو کنیم یا قانون فعلی را اصلاح کنیم. مسئله ما در انتخابات کشور خصوصا انتخابات مجلس چیزی جز مشارکت بالا و رقابت نیست. یعنی آنچه ما نیاز داریم مشارکت مردم در یک انتخابات رقابتی است. پس هر اصلاحی را که بخواهیم در قانون اعمال کنیم، باید اول رقابت در انتخابات را ایجاد کند. اما این اصلاح انتخابات درست مسیر عکس آن را طی می‌کند و دلیل مخالفت من هم همین نکته است. بنابراین اگر قصد داریم قانون انتخابات را اصلاح کنیم باید اول دست شورای نگهبان را از نظر قوانین باز بگذاریم تا بتواند بیشترین افراد را برای کاندیداتوری تأیید صلاحیت کند تا امکان حضور در رقابت انتخاباتی مجلس را داشته باشند؛ تا فضا رقابتی شود و به دنبال آن زمینه حضور مردم پای صندوق‌های رای فراهم شود. اما در این اصلاحیه جدید قانون انتخابات را از چیزی که هست محدودتر کرده‌اند. این کار یعنی رقیب‌تراشی و موازی‌کاری در امور وزارت کشور و اصلاحیه جدید تا ۴۰ ماده افزایش می‌یابد که قطعا شرایط را سخت‌تر و محدودتر می‌کند. در بحث ترکیب هیئت اجرایی هم قصد دارند دادستان‌ها را حذف کرده و فرد حقوقی را جایگزین کنند. در حالی که دادستان خودش شخص حقوقی است و جایگاهش در سیستم قضائی هم مشخص است. همچنین در این اصلاحیه قانون، یک هیئت اجرایی مرکزی برای انتخابات مجلس مثل انتخابات ریاست‌جمهوری طراحی کرده‌اند. این کار یعنی رقیب‌تراشی و موازی‌کاری در امور وزارت کشور و ستاد انتخابات کشور؛ ترکیب آن هیئت هم جالب است. وقتی از نیروهای نهادهایی خاص در ترکیب آن استفاده می‌کنیم، یعنی با یک انتخابات دموکراتیک که در دنیا خود مردم آن را برگزار و اجرا و نظارت می‌کنند در تضاد است. با این کار به سمتی می‌رویم که غیرمردمی‌ها را در ارکان برگزاری و اجرای انتخابات می‌گنجانیم و این رفتار شائبه‌برانگیز است. در بحث حضور نمایندگان نامزدها سر صندوق‌های رای هم محدودیت‌های زیادی ایجاد کرده‌اند. با این اصلاحیه هر نماینده برای نصف صندوق‌های رای می‌تواند نماینده و ناظر داشته باشد و در حوزه‌هایی که کرسی‌های بیشتری دارند از سه یا چهار صندوق یک نماینده می‌تواند ناظر باشد. در حالی که این نمایندگان نه هزینه‌ای از دولت می‌گیرند و نه روز راگیری خودروی دولتی در اختیارشان است و نه هزینه‌ای را به دولت تحمیل می‌کنند. پس حضور این افراد چه اشکالی دارد؟ حتی این حضور اعتماد نامزدها به سلامت انتخابات بیشتر می‌کند و این یک جنبه است.

نکته عجیب دیگر این است که می‌خواهند هیئت نظارت حوزه‌های انتخابیه را

باعث تسریع روند آشتی دو کشور شود، به‌ویژه از آنجایی که ریاض با هدف دستیابی به عضویت کامل ظرف چند سال آینده تمام تلاش خود را در ترویج آرامش در روابط دوجانبه خود با تهران خواهد کرد. به واسطه این دو قدرت اصلی خاورمیانه، نفوذ چین در اعضای شورای همکاری خلیج فارس به‌ویژه قطر، بازارهای جدیدی را برای این کشور به ارمغان خواهد آورد. درحالی‌که رقابت بین قدرت‌ها تشدید می‌شود. آخرین تحولات نشان‌دهنده عدم پیش‌بینی دیپلماسی آمریکا و شکست دولت بایدن در جلوگیری از دست دادن نفوذ ایالات متحده در منطقه و همچنین در صحنه جهانی است. درواقع، این صحنه‌های دیپلماتیک که تقویت شتابان بلوک اوراسیا را ثبت می‌کنند، راه را برای مرحله بعد یعنی دلارزدایی از اقتصاد جهانی که از ارکان اصلی قدرت آمریکا است هموار می‌کند. علی‌رغم انکار پکن، بدیهی است که گسترش سازمان همکاری شانگهای بخشی از مبارزه ایدئولوژیک آن علیه ایالات متحده و الگوی حکمرانی جهانی است که آن را نمایندگی می‌کند. چین در مواجهه با خلا استراتژیک به‌جای‌مانده از واشنگتن، جایگاه خود را به عنوان قدرت جایگزین برای نفوذ در خاورمیانه و ایجاد نظم جدید جهانی تثبیت کرده است.

در این گفت‌وگو، نوری قزلبه به بررسی سبب‌ها و دلایل این وضعیت، دلایل عدم مشارکت مردم در انتخابات و راه‌های بهبود آن پرداخته است.

به‌طور تصادفی در حوزه‌ها تقسیم‌بندی می‌کنند. این در حالی است که مثلا یک فرد در حوزه‌ای آشنایی و شناخت دارد و می‌تواند نماینده نامزد در آن حوزه باشد تا روند برگزاری انتخابات را رصد کند. اما اگر او را به حوزه‌ای بفرستند که هیچ آشنایی و شناختی از آن حوزه ندارد، چطور می‌تواند اشراف داشته باشد و گزارش درستی به نامزد مردم بدهد؟

در این گفت‌وگو، نوری قزلبه به بررسی سبب‌ها و دلایل این وضعیت، دلایل عدم مشارکت مردم در انتخابات و راه‌های بهبود آن پرداخته است.

خوشبختانه تاکنون مقاومت خوبی از سوی مجلس انجام شده و نمایندگان اجازه ندادند این محدودیت تبدیل به قانون شود. شورای عالی فضای مجازی ممکن است دو ماه دیگر یک رویه جدید را در نظر بگیرد؛ شاید هم دو سال دیگر رئیس‌جمهور دیگری روی کار بیاید که کلا رویه را تغییر دهد؛ اما اگر این موضوع به قانون تبدیل شود، مادام و دائمی خواهد شد و تغییرش بسیار سخت خواهد بود؛ پس جای شکر دارد که هنوز محدودیت‌های بلاوجهی که در قالب طرح صیانت برای کشور در نظر گرفته‌اند، وجهه قانونی به خود نگرفته است و این ناشی از مقاومت نمایندگان مجلس بوده است.

♦ به نظر می‌رسد در موضوع قانون حجاب هم برخی سعی دارند توپ را به زمین مجلس بیندازند و با وجودی که بخشی از جامعه نسبت به نوع برخورد‌های اخیر درباره حجاب انتقاد دارند، آن را به‌عنوان قانون مصوب مجلس یازدهم به مردم معرفی کنند. به نظر شما مجلس دراین‌باره چه تصمیمی می‌گیرد؟

بعید می‌دانم در ماه‌های باقی‌مانده از مجلس یازدهم چیزی دراین‌باره تصویب شود. درباره مقوله «حجاب» کنسی بر وجوب شرعی رعایت حجاب و التزام عملی آن از طرف مؤمنان شکی ندارد و نص صریح قرآن است؛ اما اینکه درباره کسانی که حجاب را رعایت نمی‌کنند، چگونه باید برخورد کرد، چیز ساده‌ای مثل تصویب بودجه و وضع مالیات نیست که سریع بخواهیم در مجلس برای آن تصمیم بگیریم. موضوعی بسیار پیچیده و اعتقادی و فقهی است و باید حتما از نقطه‌نظرات علمای دین در حوزه‌های مختلف و نقطه‌نظرات دانشمندان بهره بگیریم. همچنین باید از سنت‌های نبوی و ائمه که چگونه با کسانی که حجاب را رعایت نمی‌کردند برخورد می‌کردند، استفاده کنیم. اینکه هدف چیست نیز باید بررسی شود. آیا هدف این است که فقط ظاهر خیابان‌ها را اصلاح کنیم یا با هدف این است که سعادت مردم را هم در دنیا و هم در آخرت یکپارگی کنیم؟ یا این نوع برخورد و ایجاد گشت ارشاد و رفتارهای تند و سخت آیا می‌توانیم باورها و اعتقادات مردم را تقویت کنیم؟ اینکه کسی حجاب ندارد یا حجابش ضعیف است، با این برخوردهای سنجیده و خشن آیا می‌توانیم او را مؤمن و باورمند به اعتقادات دینی کنیم؟ این موارد جزء شرایط لازم برای امر به معروف و نهی از منکر است که باید منجر به نتیجه شود. هدف این نیست که ما در خیابان فقط چیزی ببینیم. اگر هدف این باشد که با قانون و مقررات می‌توانیم مانع از قانون‌شکنی درباره حجاب شویم؛ اما هدف در اسلام و نظام اسلامی سعادت هر دو دنیای مردم است و باید بررسی کنیم که از طریق قانون‌گذاری یا آموزش و فرهنگ‌سازی می‌توانیم به هدف برسیم؟ این موضوعات از نظر جامعه‌شناسی و همچنین نگاه فقهی و شرعی باید مورد توجه قرار گیرد. موضوعی سطحی نیست که مثل سایر موارد، جمعی از نمایندگان برای حجاب هم طرحی را شامل چند ماده بنویسند. در نهایت هم در صحن علنی آن را به تصویب برسانیم و به قانون تبدیل کنیم. حجاب موضوع مهمی است که همه ابعاد آن باید از سوی کارشناسان امر بررسی شود و در نهایت برای آن متخصصان امر تصمیم بگیرند.

- ♦ به نظر می‌رسد برخوردهای سلیقه‌ای و نامناسب با حجاب باعث بخشی از جامعه به این امر واکنش نشان داده و از نگاه برخی، مخالفت با حجاب را مبارزه مدنی بدانند.**

دقیقا همین‌طور است. وقتی رفتار درست و سنجیده نباشد، شاید ایمان و اعتقادات مردم را هم از بین ببرد. به همین دلیل تأکید دارم موضوع ظرفیتی است و باید همه ابعاد آن به طور کارشناسی بررسی شود.

- ♦ درباره فضای مجلس کمی صحبت کنیم. این‌طور به نظر می‌رسد که اقلیتی در مجلس حضور دارند که با وجود تعداد کمشان اما صدای بلندی دارند و می‌توانند با فشارسازی اکثریت مجلس را تحت تأثیر خود قرار دهند. درباره این فضا برایشان کمی توضیح دهید.**

جریان‌تی در مجلس فعال است که نه‌تنها در مجلس بلکه در جامعه هم در اقلیت است. اما صدای بلندی دارند. این اقلیت خودشان را فرزند ارشد نظام می‌دانند و ادعا می‌کنند که گلگولاه‌های قدرت در دست آنهاست و هر آنچه بخواهند در کشور اتفاق می‌افتد. احساسشان این است و همین احساس را با زبان دیگری بیان می‌کنند. صدایشان بلند است و در ظاهر محدودیتی هم برایشان وجود ندارد. به هر طریقی که می‌خواهند می‌توانند حرفشان را بزنند و خواسته‌هایشان را اعمال کنند و هیچ محدودیتی هم برایشان وجود ندارد. طبیعی است کسانی که چنین برداشتی داشته باشند و خودشان را حق مطلق و حاکم مطلق بدانند، حرف‌های عجیبی می‌زنند و رفتارهای غریبی نشان می‌دهد. با وجودی که این مجلس فراگیر نیست و از جریان‌های سیاسی مختلف کشور تشکیل نشده، بااین‌حال در این مجلس این جریان تندرو محدودت شد و بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌هایشان را نتوانست به سرانجام برساند. بنابراین شعار ماهانگی کامل قوا و خالص‌سازی قدرت که این جریان خیلی به آن افتخار می‌کرد، همان‌طور که هم خودشان و هم جامعه متوجه شد، خروجی مطلوبی نداشت و نتوانست کاری برای کشور انجام دهد و این پروژه با شکست مواجه شد. همه متوجه شدند این افراد توان اداره کشور را ندارند و افکار و ایده‌هایشان کاربردی نبوده و نیست. به همین دلیل این روزها با حاشیه‌سازی و سروصدای زیاد می‌خواهند با موضوعی مثل حجاب حاشیه و سروصدا ایجاد کنند تا افکار عمومی را از ناتوانی مدیریتی خود در اداره کشور منحرف کنند.

- ♦ از بیرون این‌طور به نظر می‌رسد که رقابت خاصی بین این جریان حداقلی تندرو با جریان نزدیک به طیف قالیباف وجود دارد؛ آیا در داخل مجلس هم این رقابت به‌طور واقعی دیده می‌شود؟**

به اعتقاد من وقتی اکثریت، مطلق شد، درون خودش هم دچار انشقاق و تغییر می‌شود. وقتی اکثریت مطلق به بالای ۲۰۰ نفر در یک فراکسیون می‌رسد و این عدد تاکنون در یک فراکسیون کماشماه شاید هم بی‌سابقه بوده است، طبیعی است که به هر خودشان بر سر پست‌ها و موقعیت‌ها دچار اختلاف و انشقاق و چندقدرگی می‌شوند.

این کثرت معلوم بود ادامه‌دار نخواهد بود و از درونش جریان‌اتی دیگر شکل می‌گیرد و اتحاد انسجام آنها دچار شکنندگی می‌شود. آنها چون رقیبی برای خودشان متصور نبودند، بین خودشان به رقابت پرداختند به این امید که افکار عمومی این فشارسازی شناختی را از آنها بپزد.

ادامه در صفحه ۳